

کردان غیریابی در جنگ‌های صلیبی؛ از سقوط تا بازپس‌گیری بیت‌المقدس^۱

امید بهرامی‌نیا^۲

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

در جنگ‌های صلیبی اقوام و طوایف مختلفی به علل و دلایل گوناگون مشارکت کردند. به علت همسایگی منطقه جزیره با شام، کردان آن منطقه نیز به ناگزیر پایشان به این جنگ‌ها کشیده شد. مداخله نظامی زنگیان در اوضاع داخلی فاطمیان حاکم بر مصر، پای کردان ایوبی و کردان غیریابی را بدان‌جا باز و در آنجا نیز به‌ناچار آنان را با صلیبیون مواجه کرد. با تشکیل دولت کردنژاد ایوبی از دل دولت زنگی، نیروی سیاسی، نظامی کردان غیریابی دولت زنگیان به ایوبیان ملحق شد و این الحاق سرعت، شدت و شمول بیشتری پیدا کرد. کرد بودن دولت ایوبیان و نیاز آنان به توان نظامی کردان در مواجهه با صلیبیون، نقش کردان غیریابی را نیز در این جنگ‌ها پررنگ‌تر کرد. در این مقاله نقش کردان غیریابی در جنگ‌های صلیبی تا بازپس‌گیری قدس بررسی شده است. یافته‌ها حاکی است که با تشکیل دولت زنگیان، این حضور نظم بیشتری به خود گرفت، با ایوبیان و در دولت صلاح‌الدین (حک ۵۶۷ - ۵۸۹ق) و به‌ویژه با ورود وی به فاز تهاجمی از ۵۸۲ق به بعد، به اوج رسید و به ترتیب نقش‌آفرینی، طوایف کرد هگاری، مِهرانی، حُمیدی، زَرزاری و شَهرزوری، در عرصه‌های سیاسی، نظامی این جنگ‌ها خوش درخشیدند.

کلیدواژه‌ها: کردان غیریابی، جنگ‌های صلیبی، زنگیان، ایوبیان، صلاح‌الدین ایوبی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

۲. رایانامه: omid.bahraminia@uok.ac.ir

مقدمه

منازعات جانشینی درون خانوادگی سلجوقیان پس از مرگ ملکشاه سلجوقی در ۴۸۵ق، پای نهاد اتابکی - به عنوان یکی از دلایل سه گانه زوال قدرت سلجوقیان (نک: باسورث، ۱۳۸۱: ۱۹۷-۱۹۸) - را نیز به کشمکش های سیاسی کشاند. میل این اتابکان به تحکیم موقعیت/قدرت و رویکرد آنان در انتصاب پادشاهان و شاهزادگانی ضعیف در این راستا، توان سلاطین سلجوقی برای غلبه بر گرایش های جدایی طلبانه آنان را روز به روز ضعیف تر کرد. کمی پیش تر، رویکرد غیر متمرکز آل بویه در کنار علل و عوامل دیگری که موضوع این نوشتار نیست، به نقش آفرینی سیاسی و نظامی پاره ای از قبایل و طوایف کرد - فارغ از کوچکی یا بزرگی یا میزان قدرت آنان - در مناطق شمال اقلیم جزیره و موصل انجامید که مستظهر به صعب العبوری کوه ها، ارتفاعات، دژها و استحکامات نظامی زیستگاه خود، امارت هایی تشکیل دادند. اتابکان زنگی یکی از قدرت های نو بنیادی بود که در این مناطق محل سکونت کردان منطقه جزیره، قدرت گرفت و وارد معادلات سیاسی این دوره شد. محدودیت جغرافیایی قلمرو غالباً کردنشین زنگیان، طبعاً به پررنگ شدن نقش کردن و ارتقای جایگاه سیاسی و نظامی آنان انجامید و اگر چه این محدودیت، زنگیان را تا حدودی از به خدمت گرفتن پیاده نظام دیلمی و خراسانی سلجوقیان محروم ساخت، اما امکان بهره مندی از کردن به عنوان نیروی ثابت در کنار دیگر عناصری همچون ترکمنان، اعراب بدوی و... به عنوان نیروی غیر ثابت را برایشان فراهم ساخت.

در این میان با تهاجم صلیبیون به جهان اسلام در ۴۸۹ق و پیشروی های برق آسای آنان در قلمرو زنگیان و مناطق مجاور آن و به ویژه پس از تصرف بیت المقدس و کشتار فجیع ساکنانش در ۴۹۲ق، نظامیان اهمیتی به مراتب بیشتر از قبل یافتند و متناسب با نیروهای نظامی و تسلیحات این مهاجمان، تغییراتی در نیروهای نظامی و تسلیحاتی زنگیان نیز ایجاد و باعث شد که خط مشی سلجوقیان در بهره مندی از کردن، به سبب مهارت در جنگاوری و

به‌ویژه نیزه‌اندازی و تحمّل شرایط سخت، بیش از پیش توسط زنگیان در پیش گرفته شود و با جذب کردان و اتحاد با آنان و به سیطره درآوردن قلمروشان، نیروی نظامی خود را تقویت کردند و بدین‌سان کردان به عنصر مهمی در نبرد با مهاجمان صلیبی تبدیل شدند. با انتقال میراث زنگیان به ایوبیان و بهره گرفتن آنان از دیگر طوایف کرد برای تحکیم ارکان دولت و به‌ویژه مواجهه با مهاجمان صلیبی، نقش‌آفرینی کردان در تاریخ اسلام، بسیار پررنگ‌تر از قبل شد و این جابجایی طبقات اجتماعی مسلمانان متعاقب جنگ‌های صلیبی، کردان و بویژه غیریابی موضوع این نوشتار را به یکی از مهم‌ترین نیروهای جهان اسلام، آن هم در آن شرایط حسّاس، تبدیل کرد (نک: ناصری طاهری، ۱۳۷۶: ۱۳۹).

بر اساس آنچه گذشت و با عنایت به توجّه پژوهشگران به ایوبیان در مقام خاندانی حکومتگر و نامدار و غفلت از دیگر کردان غیرحکومتگر در این جنگ‌ها، این پژوهش بر آن است تا با رویکرد توصیفی و تحلیلی باتکیه بر منابع اصلی بر ۱) کردان غیریابی دخیل در جنگ‌های صلیبی و ۲) میزان و نوع/ سطح نقش‌آفرینی‌شان در این نبردها پرتو بیفکند و براین‌اساس، به اشخاص و طوایفی خواهد پرداخت که منابع به کردبودنشان تصریح کرده‌اند.

به‌رغم اهمّیت موضوع فوق و نقش آن در رفع ابهام از یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ اسلام از یک‌سو و نیز تبیین نقش کردان در مقام یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین عناصر قومی جهان اسلام در دیگر سو، این مهم چندانکه باید، مطمح نظر پژوهشگران تاریخ نبوده و حتّی شخص صلاح‌الدّین هم به دلیل کرد بودن، «گمنام» و گمنامی‌اش نیز «طبیعی» به‌حساب آمده است (ریلی اسمیت، ۱۳۹۲: ۹۱)! گویا در طی سال‌های اخیر، پژوهشگران و محافل دانشگاهی اقلیم کردستان عراق، با علم بدین واقعیت، گام‌هایی در این خصوص برداشته‌اند. نیز محمّد امین (۲۰۰۲م) در المشطوب الهکاری؛ دراسة عن دور الهکاریین فی الحروب الصلیبیة و کاروان عبدالعزیز دوسکی در الكرد المهراتیة، دورهم السیاسی و الحضاری خلال القرنین ۶ و ۷، که هر دو اثر پایان‌نامه‌ای دانشگاهی بوده و بعدها در قالب

کتاب منتشر شده‌اند، بر بخش‌هایی از این موضوع پرتو افکنده‌اند. در میان پژوهشگران عرب، عبدالرحیم راند (۲۰۱۹م) در مقاله «الفقیه عیسی هکاری، حیات و دوره فی عهده اسدالدین شیرکوه و صلاح‌الدین الأیوبی» و فوزی خالد طواهیه (۲۰۲۰م) در مقاله «امیر سیف‌الدین علی المشطوب الهکاری و دوره العسکری فی الدولة الأیوبیه» به معرفی دو نفر از نامداران کرد در این مقطع پرداخته‌اند. در میان پژوهش‌های فارسی، مهدی محمدی (۱۴۰۱ش) در مقاله «سپاه اتابکان زنگی و تحولات تاریخی آن» بدون ورود به مصادیق طایفه‌ای کردن، به نقش و جایگاه آنان در سپاه زنگیان پرداخته و انعکاس بخشی از نظرات داور به عنوان متن مقاله، به علت عدم دقت در بازبینی نهایی پیش از انتشار، از ضعف‌های این پژوهش است.

با عنایت به آنچه گذشت و باتوجه به اهمیت موضوع، به نظر می‌رسد که این نوشتار، با گستراندن دایره شمول موضوعی و زمانی، به شرح ذیل، بتواند هم خلأی بنیادین در این زمینه رفع کند و هم سرآغازی باشد برای پژوهش‌های بعدی در این زمینه.

نقش کردن غیرایوبی در دوران فتوح (۴۸۹ - ۵۴۱ق)

در این دوران که از ابتدای تهاجم صلیبیون تا پایان حکومت عمادالدین زنگی (حک: ۵۲۱ - ۵۴۱ق) و به‌ویژه فتح رُها به دست وی است، مهاجمان توانستند که با اغتنام فرصت روزگار هرج و مرج و جنگ داخلی و درگیری‌های مذهبی در جهان اسلام، در بخش شمالی شام و دشت باریک ساحلی، به ترتیب چهار امیرنشین ساحلی رُها، بیت المقدس، انطاکیه و طرابلس برپا کنند. تجزیه قدرت نهاد خلافت و چنددستگی جهان اسلام و به‌ویژه کشمکش دیرینه بین عباسیان حاکم بر بخش شرقی و فاطمیان حاکم بر بخش غربی - که از دو سده پیش از تهاجم صلیبیون آغاز شده بود - بستر عینی لازم برای گسترش این کشمکش در دیگر مناطق جهان اسلام و تعمیق آن را نیز فراهم کرد و بر این اساس نه تنها خاندان‌ها و امرای حکومتگر، بلکه پیروان فرق و مذاهب (عامه مردم) نیز به حکم تبعیت رعیت از

«خوی شاهان»، به جنگ و نفیر با هم مشغول شدند (جهت تفصیل مطلب، نک: مایر، ۱۳۷۱: ۶۴ - ۶۵؛ سید، ۱۴۰۰: ۵۷۹ - ۵۸۰) و در نتیجه غفلت این سه کانون (نهاد خلافت، نهاد سلطنت، پیروان فرق و مذاهب) از تهدیدات بیرونی، آنان نه تنها امکان واکنش متناسب به این تهاجم را پیدا نکردند، بلکه به جای اتخاذ رویکرد/راهکاری برای نیل به اتحاد و مقاومت، عده‌ای برای حفظ قدرت و تحکیم موقعیت خود، با مهاجمان همکاری و مصالحه هم کردند! (نک: عودی، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۲، ۲۶) پیشروی‌های سریع این مهاجمان و کشتارهای فجیع آنان در مناطق مغلوبه و به‌ویژه آنچه در جریان تصرف بیت المقدس در ۴۹۲ق گذشت، تعدادی از امرا و قدرت‌های محلی را به تجدیدنظر در رویکرد پیشین و لزوم تشریک مساعی برای مقابله با این تهاجمات واداشت و حضور سربازان کرد در سپاه سه‌هزارنفری جَکرمِش، حکمران موصل، و مواجهه آنان با صلیبیون در کنار رود بلیخ در شام در ۴۹۷ق (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۴۹۶/۸) و نیز مشارکت ابوالهیجان مَوسَک هَذَبانی^۳، حکمران اربل، در سپاهی که با فشار افکار عمومی و سفارش خلیفه مستظهر (حک: ۴۸۷ - ۵۱۲ق) در ۵۰۵ق گرد آمد و به‌رغم کسب موفقیت اولیه در مواجهه با صلیبیون در منطقه جزیره، در نهایت از هم پاشید (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۵۸۵/۸ - ۵۸۸)، سرآغاز ایفای نقش مستقیم کردان، از طریق مشارکت نظامی، در این جنگ‌های دو‌یست‌ساله است.

ناکامی قدرت‌های حاکم بر مناطق مورد تعرض و متحدان پیرامونشان در ایستادگی در برابر مهاجمان و سقوط پی‌درپی شهرهای شام، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت از کشمکش‌ها و اختلافات سیاسی، مذهبی سابقه‌دار موجود در این مناطق نکاست و در ۵۰۸ق امیر مودود، حکمران موصل، توسط اسماعیلیه ترور شد و نظر به اهمیت این شهر و جایگاهش در معادلات سیاسی، نظامی این منطقه، غیاث‌الدین محمد (حک: ۴۹۸ - ۵۱۱ق) یکی از غلام - سپهسالاران دربار سلجوقی به نام آق‌سُنقُر بُرسُقی را به حکومت این

۳. طایفه‌ای از کردان که بر دژ اربل و اطراف آن حکم می‌راندند (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱/۸).

شهر و توابعش گماشت (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۶۰۱/۸). عدم توفیق آق سنقر در حل مشکلات و استمرار کشمکش‌ها و نیز وخامت اوضاع، کنشگران سیاسی جزیره و از جمله کردان، به عنوان یکی از مهم‌ترین ساکنان آنجا، را به این نتیجه رساند که مهم‌تر از ایفای نقش مستقیم از نوع نظامی در این مرحله، ایفای نقش غیرمستقیم سیاسی در پشت جبهه نبرد برای سروسامان دادن به وضعیت ناخوشایند داخلی از طریق انتصاب فردی توانمند است و براین اساس در پی مرگ آق سنقر در ۵۲۱ق و استیلای جاؤلی نامی سوءرفتار بر شهر، قاضی بهاء الدین شهرزوری^۴ در مأموریتش به نمایندگی از جاؤلی به درگاه مُغیث الدین محمود سلجوقی (حک: ۵۱۱ - ۵۲۵ق)، به رغم درخواست مخدومش، از سلطان خواست که باتوجه به حضور ویرانگر صلیبیون در شام و تهدیدات فزاینده‌شان بر ضد مناطق مصر، شام و جزیره، به فکر فرمانده مؤثری برای مقابله با آنان باشد و خود، پسر آق سنقر به نام عمادالدین زنگی را، باتوجه به ویژگی‌های فردی و پیوندش با درگاه سلجوقی، پیشنهاد داد (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۸-۶/۹؛ ابن اثیر، بی تا: ۳۴-۳۵؛ ابوشامه، ۱۴۱۸: ۱۱۵/۱؛ اشتري تفرشی و گودینی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

با پذیرش این انتصاب و ظهور عمادالدین زنگی و وارد ساختن نخستین ضربات نیرومند به فرنگیان توسط وی (حتی، ۱۳۸۰: ۸۱۷) فصلی نو در تاریخ جنگ‌های صلیبی گشوده و روند پیشروی فرنگیان با اختلال جدی مواجه شد (نک: ادامه همین نوشتار). گفتنی است که به رغم نفوذ قابل توجه سربازان کرد در گروه افسران و نظامیان عادی سپاه زنگیان و تقویت نیروی نظامی این دولت بدین واسطه و نیز جایگاه کردان در مقام عنصری مهم در نبرد با کنت‌نشین صلیبی رها در بیست سال اول حکومت زنگیان (محمّدی،

۴. منسوب به ناحیه وسیعی به نام شهرزور واقع در بین اربل و همدان که همه ساکنانش کردند (عثامنه، ۲۰۰۶: ۲۱۱). شهرزوریان خانواده‌ای بلندمرتبه در عرصه‌های علم و سیاست بودند که در دوران زنگیان و ایوبیان در عرصه‌های دینی و سیاسی، نقش آفرینی کردند (جهت تفصیل مطلب، نک: نقلی، ۲۰۰۲: ۱۰۵-۱۰۶؛ هسنیانی، ۲۰۱۴؛ نیز ادامه همین نوشتار).

۱۴۰۱: ۶۸)، آن هم پس از ادغام نیروی نظامی کردانی همچون مهرانیان در سپاه زنگیان پس از سیطره عمادالدین بر قلمرو آنان (دوسکی، ۲۰۱۳: ۲۴) و دستیابی این کردان به مدارج عالی در دولت زنگی (به‌عنوان نمونه، نک: دوسکی، ۲۰۱۳: ۶۰-۶۵)، چنین به نظر می‌رسد که بازتاب ایفای نقش نظامی مستقیم آنان در جریان نبرد با صلیبیون در منابع تاریخی، تحت‌الشعاع نام و آوازه عمادالدین، به‌عنوان نخستین قهرمان مسلمان در این عرصه که نقش بسیار مهمی در بازگشت معنای جهاد در اسلام داشت و این فریضه را برای مهار پیشروی صلیبیون و به‌صورت متحد کردن امیران مسلمان تحت لوای خود انجام داد (بالار، ۱۳۹۲: ۱۹۱)، واقع شده و مورخان این حوزه، برخلاف دوره ایوبیان (نک: ادامه همین نوشتار) به‌صورت مصداقی به کردان حاضر در این نبرد نپرداخته و گوشه چشمی به آنان نیفکنده‌اند!

پنج سال پس از نقش‌آفرینی کردان شهرزوری در کمک به جلوس زنگیان بر تخت قدرت در راستای مقابله با صلیبیون، کردان ایوبی نیز به رویکرد ایفای نقش غیرمستقیم در جنگ‌های صلیبی با حمایت از تداوم حکومت عمادالدین زنگی در کشمکش‌های داخلی پیوستند و آن زمان که جان این اتابک زنگی، در جریان مداخله بر سر نزاع درون‌خانوادگی مدعیان سلطنت بر سر جانشینی مغیث‌الدین محمود با خطر جدی مواجه شد و در یک‌قدمی مرگ بود، نجم‌الدین ایوب^۵، دژدار تکریت، به کمک شتافت و او را از مرگ حتمی (جهت تفصیل مطلب، نک: ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۸۲/۱؛ مونس، ۱۹۵۹: ۱۶) و جهان اسلام را نیز از فقدان «نخستین حلقه از سلسله قهرمانان ضد صلیبی» (حتی، ۱۳۸۰: ۸۱۷) رهانید. در ادامه همین رویکرد و این بار با بروز نزاع در میان مدعیان خلافت، قاضی کمال‌الدین شهرزوری که به نیابت از عمادالدین زنگی به بغداد اعزام شده بود، در تکمیل تلاش‌های شهرزوریان و ایوبیان و در راستای تلاش برای جلب مشروعیت و تحکیم

۵. از کردان روادی بود که بهترین تیره کرد محسوب می‌شد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۴۲/۹) و شاخه‌ای از هذبانیه بود (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۹/۱).

موقعیت زنگی و با حساسیتی ستودنی نسبت به لزوم حفظ شأن یک عالم دینی در مقام یک سفیر، بیعت با خلیفه جدید را مشروط به انتفاع مخدومش کرد و مقتفی (حک: ۵۳۰-۵۵ق) نیز با پذیرش خواسته‌هایش، بر اقطاع عمادالدین افزود و ازجمله برای «نخستین بار» از املاک خاص خود به او بخشید (ابن اثیر، بی تا: ۵۴؛ ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱۰۵/۱؛ نقلی، ۲۰۰۲: ۱۰۸-۱۰۹). این درایت و صلابت و سیاست ورزی عزتمندانه باعث شد که عمادالدین زنگی یک سال بعد، برای رهایی از بحرانی که در پی حمله صلیبیون به شام دچارش شده بود، دوباره از قاضی کمال الدین کمک بگیرد و برای جلب حمایت سلطان مسعود سلجوقی (حک: ۵۲۹-۵۴۷ق) به دارالخلافه اعزامش کند. این قاضی نامدار کرد، در دارالخلافه هشدار داد که تهدید فرنگیان بسیار جدی است و در صورت تصرف حلب، بغداد نیز با خطر مواجه خواهد شد و چون با بی‌اعتنایی این سلطان سلجوقی مواجه شد و از «چانه زنی در بالا» نتیجه‌ای نگرفت، با طرح نقشه‌ای، به «فشار از پایین» روی آورد و عوام الناس را در مساجد بغداد به اعتراض به انفعال مسعود و لزوم اعزام نیرو کشاند و با این اقدام، سلطان سلجوقی را به تأمین و تجهیز و ارسال نیرو به شام واداشت و بدین گونه عمادالدین را از مخمصه‌ای بزرگ رهانید (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۹۲/۹؛ نقلی، ۲۰۰۲: ۱۱۱-۱۱۲؛ ابوبدر، بی تا: ۷۹). گفتنی است که نقش خاندان شهرزوری در این جنگ‌ها محدود به ایفای نقش غیرمستقیم سیاسی در پشت میدان نبرد نبود و قاضی تاج الدین یحیی شهرزوری در جریان حمله عمادالدین به بیره در قلب فلسطین در ۵۳۹ق، دوشادوش وی در سپاه حاضر بود و با شنیدن خبر شورش در موصل در آن برهه حساس، به نیابت از عمادالدین زنگی به این شهر استراتژیک برگشت و با زیرکی و درایتی که از برادرش کمال الدین آموخته بود، شورش را فروخواباند (ابن اثیر، بی تا: ۷۲؛ ابوشامه، ۱۴۱۸: ۱۵۰/۱؛ ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱۳۵/۱-۱۳۶) و مانع تضعیف عمادالدین به عنوان «اوج ستاره اسلام و سنگینی کفه مسلمانان» (حتی، ۱۳۸۰: ۸۱۷) آن هم یک سال پس از توفیق وی در از میان بردن نخستین حکومت صلیبی در شرق در نتیجه فتح درخشان رُها شد.

نقش کردان غیرایوبی در دوران واکنش (۵۴۱-۵۸۹ق)

چند صباحی پیش از این دوران - که با صلاح‌الدین ایوبی (حک: ۵۶۴-۵۸۹ق) به اوج رسید - با بازپس‌گیری رها در ۵۳۹ق، عامل از هم دور نگه داشتن کشورهای اسلامی و جدا کردن عراق از سوریه، و با تصرف دمشق در ۵۴۹ق توسط نورالدین زنگی (حک: ۵۴۱-۵۶۹ق)، آخرین حایل میان زنگیان و بیت المقدس برداشته شد و با تکمیل این روند در پی کشیده شدن پای کردان ایوبی به مصر و اقدام آنان در پایان دادن به تقریباً سه سده حکومت فاطمیان شیعی و اقامه خطبه به نام عباسیان سنی، تا حدی زمینه‌های تفرق و چنددستگی‌ای که در دوران پیشین مانع واکنش متناسب به تهاجم فرنگیان بود، برچیده و امکان و بستری فراهم شد که جهان اسلام با تکیه بر بخشی از سرمایه‌های انسانی و نظامی‌اش از عراق تا مصر، بتواند در برابر مهاجمان بایستد و ضرباتی کاری بر آنان وارد سازد.

با قتل عمادالدین زنگی در ۵۴۱ق و جانشینی پسرش نورالدین محمود در شام در معرض تهاجم صلیبیون، عواملی همچون شخصیت محبوب، پارسایی، دانش‌دوستی و دادگری وی (نک: ابن‌اثیر، بی‌تا: ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷ و دیگر جاها) و شهرتش به عنوان جنگجوی بی‌نظیر اسلام که وظیفه‌اش متحد کردن مسلمانان برای استرداد قدس و دیگر سرزمین‌های ساحلی شرق لاتینی بود (بالار، ۱۳۹۲: ۱۹۱) و نیز بازتاب بیشتر واکنش‌های مدافعان، از هر قوم و نژاد، در قالب اسلام/مسلمانان در منابع، به تبع تشدید تازش فرنگیان و جدی‌تر شدن تهدید کیان اسلام، باعث تعمیق رویکرد مورخان در عدم ورود به مصادیق قومی/نژادی مسلمانان دخیل در این جنگ‌ها شد و بجز ایوبیانی که موضوع این نوشتار نیستند و از همان زمان عمادالدین و به پاداش نجات جان‌ش به خدمت گرفته شده و در حکومت پسرش نیز به مدارجی عالی دست یافته بودند، از دیگر کردانی که نفوذ درخور توجهی هم در گروه افسران و هم نظامیان عادی پیدا کرده (مایر، ۱۳۷۱: ۱۳۲) و در رکاب نورالدین نیز بر ضد صلیبیون شمشیر کشیدند، نامی نیست و تنها آن زمان که وی در نبرد مشهور بُقِیعه در ۵۵۸ق در جریان فرار از کمین سربازان امالریک اول، (حک: ۵۵۸-

۵۶۹ق) حکمران صلیبی بیت المقدس، بر اسبی که از فرط عجله پای بندش را باز نکرده بود پرید و سربازی کرد از موکب خود پیاده شد و با باز کردن پای بند به قیمت قربانی شدن جان، امکان گریز از این کمین و در نتیجه نجات جاننش از مرگ حتمی را فراهم کرد (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۳۰۲/۹؛ ابوشامه، ۱۴۱۸: ۳۹۸/۱؛ ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱۸۲/۱-۱۸۳:)، این رویکرد، تعلیق و به «کرد» بودن سرباز مذکور تصریح شد! در آن وانفسایی که عباسیان به رغم بازیابی اندکی از قدرت از دست رفته، یا نخواستند و یا نتوانستند مستقیماً در این جنگ‌ها وارد شوند و سلجوقیان پس از مرگ سنجر در ۵۵۲ق به سراسیمی زوال افتاده بودند و فاطمیان نیز به علّت وخامت اوضاع ناچار از استمداد از همسایه شامی در سال بعد شدند و خود زنگیان هم به چندین شعبه تقسیم و قدرتشان تجزیه شده بود، ناگفته پیداست که جانفشانی آن سرباز کرد در نجات جان نورالدّین، در مقام چهره‌ای آرمانی که «بایستی مأموریتی تاریخی را به مرحله اجرا در می‌آورد» (مایر، ۱۳۷۱: ۱۳۲) و ایده اصلی‌اش بازگشت اتحاد سیاسی اسلام در شرق نزدیک به واسطه یکپارچه کردن سوریه و سپس بازپس گرفتن سرزمین‌های تحت سلطه صلیبیون (بالار، ۱۳۹۲: ۱۹۱) و بزرگ‌ترین دستاوردش احیای اسلام در بعد سیاسی و مذهبی و تلاش در راه عقیده جهاد بر علیه فرنگیان بود (مایر، ۱۳۷۱: ۱۴۸)، شام و در اصل جهان اسلام را از چه سیل بنیان‌برافکنی رهانید! خود نورالدّین با علم بدین مهم، این فداکاری تاریخساز را فراموش نکرد و با شناسایی بازماندگان این سرباز کرد، اموال و املاک بسیاری به آنان بخشید (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۳۰۲/۹) و بعدها هم در پی درخواست شاور، وزیر عاضد فاطمی (حک: ۵۵۵ - ۵۶۷ق)، برای کمک به تحکیم موقعیتش در مصر، با توجّه به شناختش از سابقه ائیویان و کمک نجم‌الدّین ایوب به نجات جان پدرش و نیز از جان‌گذشتگی آن سرباز در نجات جان خودش و نیز با عنایت به جنگاوری کردان سپاهش، برادر نجم‌الدّین ایوب به نام اسدالدّین شیرکوه (جهت تفصیل مطلب درخصوص وی، نک: رضایی، ۱۳۹۹: ۵۵۷/۲۸ - ۵۵۹) را

در ۵۵۹ق در رأس سپاهی به آن دیار گسیل کرد (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۳۰۵/۹ - ۳۰۸؛ همو، بی تا: ۱۱۹-۱۲۱؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۸۱-۸۲).

ورود گردان به مصر در مقام نیرویی نظامی و فاتح، فصلی نو در تاریخ اسلام و جنگ‌های صلیبی گشود و نه فقط ایوبیان، بلکه گردان غیرایوبی‌ای همچون هگاریان^۶، مهرانیان^۷ و... در تاریخ این سرزمین نقش آفرینی کردند و چنانکه در ادامه این نوشتار خواهد آمد، بزرگانی همچون سیف‌الدین مشطوب^۸ (مجید امین، ۲۰۰۲: ۸۲) و ضیاءالدین عیسی هکاری^۹ (ابن خلکان، بی تا: ۴۹۷/۳؛ زرکلی، ۲۰۰۲: ۱۰۷/۵؛ شریف، ۲۰۱۶: ۱۱۸) به

۶. طایفه‌ای کرد متعلق به منطقه هگاری در شرق موصل در جنوب رود خاور (ابن خلکان، بی تا: ۳۴۵/۳؛ حسن، ۲۰۰۵: ۲۸). شهر هگاری اینک در جنوب شرق کشور ترکیه کنونی و مرکز استان هکاری است (ایغلتن، ۲۰۰۶: ۱۱۷).

۷. از طوایف ریشه‌دار و اصیل کرد اقلیم جزیره، ساکن در شمال و شمال شرقی موصل، مجاور شهر جزیره ابن عمر در جنوب شرق ترکیه امروزی. اینک در شهر زاخو، از توابع استان دهوک اقلیم کردستان عراق، و اطرافش می‌زیند (دوسکی، ۲۰۱۳: ۹، ۲۸؛ طقوش، ۲۰۱۵: ۵۱).

۸. رهبر گردان هکاری و در میدان نبرد، دلیر و بردبار بود و هکاریان پیوسته فرمان بردارش بودند. در حملات سه‌گانه شیرکوه به مصر، در رکابش شمشیر کشید و سپس به صلاح‌الدین پیوست و از بزرگ‌ترین جنگاوران و مشاوران عالی‌رتبه و برنامه‌ریزان استراتژیک حکومت او شد (عینی، ۱۴۳۱: ۲۵۳/۲ - ۲۵۴). هیچ‌کدام از امرای صلاح‌الدین به جایگاه و منزلتش نرسید و امیر گردان و بزرگ آنان بود و «امیرکبیر» خوانده می‌شد (ابن خلکان، بی تا: ۱۸۳/۱). عماد کاتب اصفهانی که خود در جنگ‌ها دوشادوش وی حضور داشته است درباره‌اش می‌گوید: «از آتش خشمش جنگ‌ها برافروخته می‌شود و از وجودش بر دشمنان درد و رنج و سختی نازل می‌کند» (اصفهانی، بی تا: ۱۵۱ - ۱۵۲، ۴۴۲). به‌خاطر زخمی که در یکی از جنگ‌ها بر صورتش عارض شد، به مشطوب (شکافته شده) مشهور شد (ابن خلکان، بی تا: ۱۸۱/۱ - ۱۸۲؛ صفی‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۳۲؛ جهت تفصیل مطلب، نک: طواهی، ۲۰۲۰).

۹. فقیه ابو محمد عیسی هکاری، ملقب به ضیاءالدین. در مدرسه زجاجیه در حلب دانش اندوخت و بعد به اسدالدین شیرکوه ملحق شد و امام وی شد و اسدالدین پیوسته در نمازهای پنج‌گانه‌اش به او اقتدا می‌کرد. او «جامع لباس رزم و دستار عالمان بود» و در حملات سه‌گانه شیرکوه به مصر، در رکابش شمشیر کشید و

نیروی نظامی ای که شیرکوه شکل داد پیوستند و نقشی مهم در حملاتش به مصر و نیز جنگ‌های صلیبی ایفا کردند (نک: دوسکی، ۲۰۱۳: ۶۹ - ۷۰).

اسدالدین شیرکوه با رسیدن به مصر، مستظهر به سپاه تحت سلطه‌اش، که هسته/رکن اصلی‌اش متشکل از دست‌کم پانصد سوارکار از فرماندهان و جنگاوران نامدار کرد بود و «اسدیه» نام داشت (محسن، ۱۹۸۷: ۳۸) شاور را دوباره بر تخت وزارت نشاند و چون با خلف وعده وی و زیر پانهادن تعهداتش مواجه شد، رو به شرق مصر نهاد و در بلّیس مستقر شد و تجمیع قوا کرد. استمداد شاور این بار از امالریک، صلیبیون را، که در پی ظهور زنگیان در شمال عراق و شام از دستیابی به منطقه شمال شرقی در اطراف فرات ناامید شده و به ناچار چشم به سمت جنوب غربی یعنی مصر دوخته بودند و به آن به عنوان مهم‌ترین مقصد می‌نگریستند (رانسینمان، ۱۳۸۰: ۳۹۳/۲)، به قلمرو فاطمیان کشاند. شیرکوه و گردان سپاهش، از جمله سیف‌الدین مشطوب، در این نخستین مواجهه با صلیبیون در مصر، سه ماه در برابر مهاجمان ایستادگی کردند و در نهایت آنان را مجبور به عقب‌نشینی و دست کشیدن از محاصره کردند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۰۵/۹ - ۳۰۸؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۸۳). پیمان‌شکنی شاور بهانه‌ای شد تا نورالدین دو سال بعد شیرکوه و برادرزاده‌اش صلاح‌الدین را دوباره با سپاهی روانه مصر کند. استمداد مجدد شاور از صلیبیون با دادن امتیازاتی به آنان، شیرکوه و گردان سپاهش را برای دومین بار رویاروی فرنگیان در مصر کرد که فرجامش پیروزی درخشان شامیان و سیطره‌شان بر بخش‌های مهمی از مصر، از جمله اسکندریه بود (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۲۷/۹ - ۳۲۹؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۸۵ - ۸۷). طمع امالریک به مصر با توجه به موقعیت راهبردی‌اش در جغرافیای جنگ‌های صلیبی در آن مقطع در ۵۶۴ ق و

بعد از شیرکوه نیز به صلاح‌الدین پیوست و چنان‌که در جای خود بدان اشاره خواهد شد، مشاور امین و دوران‌دیش و هم‌رزمی دلاور برای وی بود. در ۵۸۵ ق درگذشت و پیکرش در قدس به خاک سپرده شد و مزارش امروز از مزارهای مشهور در مقبره ماملا در قدس است (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۷۷/۱۰؛ ابن‌خلکان، بی‌تا: ۴۹۷/۳؛ مجیرالدین حنبلی، ۱۳۶۸: ۳۶۲/۱؛ جهت تفصیل مطلب، نک: راند، ۲۰۱۹).

استمداد عاضد فاطمی از نورالدین، برای سومین بار پای شیرکوه و گردان را به این دیار باز کرد. امالریک که تجربه شکست‌های پیشین از سپاه شیرکوه را داشت، با شنیدن خبر حرکت آنان از شام، به قدس عقب نشست و شیرکوه و سپاهش با استقبال عاضد وارد مصر شدند و فصلی نو در تاریخ این سرزمین گشودند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۴۰/۹؛ مجیدامین، ۲۰۰۲: ۸۹).

با استقرار شیرکوه در مصر، گردان سپاهش با درک شرایط حساس و تهدیدات داخلی و خارجی حاکم بر آنجا و لزوم تحکیم نفوذ خود به رهبری شیرکوه، در راستای تمرکز و تجمیع نیرو برای مواجهه با خطر فزاینده صلیبیون، در اولویت‌بندی تهدیدات و برچیدن آنها به ترتیب، درنگ نکردند و در نخستین گام، ضیاءالدین عیسی هکاری با درایت زمینه را برای قتل شاور در ۵۶۴ق و جلوس شیرکوه بر منصب وزارت عاضد فراهم کرد (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۱۱/۱-۲۱۲).

با مرگ نابهنگام شیرکوه دو ماه پس از وزارت، عاضد به امید تضعیف نفوذ شامیان و احیای قدرت فاطمیان، صلاح‌الدین را به وزارت منصوب کرد تا بتواند از بی‌تجربگی وی و نیز عدم اجماع شامیان بر او، برای نیل به آن هدف بهره بگیرد (ایوبی، ۱۳۸۹: ۸). چشمداشت پاره‌ای از امرای نوریه به منصب وزارت، گردان اسدیه و در رأسشان ضیاءالدین عیسی هکاری را، که «لباس رزم بر تن و دستار فقیهان بر سر داشت» (ابن‌خلکان، بی‌تا: ۴۹۸/۳) و نامور به درایت و کیاست و مستظهر به محبوبیت و مقبولیت بود، در استمرار خط‌مشی فوق‌مصمم‌تر کرد و بر این اساس مانع از مخالفت رقبا با وزارت صلاح‌الدین شد (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۴۳/۹-۳۴۴؛ ابن‌خلکان، بی‌تا: ۱۵۴/۷-۱۵۵؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱/۲۱۸-۲۱۹؛ زکار، ۱۹۹۵: ۲۳/۴۰-۴۱) و بدین‌سان با تحکیم و ترسیخ پایه‌های دولت نوپای ایوبیان، زمینه‌ای فراهم کرد که توان نظامی مسلمانان، به جای تنش‌های درونی، معطوف به مقابله با تهاجم صلیبیون شود.

با به ثمر نشستن تلاش‌های ضیاءالدین و جلوس صلاح‌الدین بر تخت وزارت، شماری از غیرکردان سپاه شام که موافق این انتصاب نبودند، مصر را ترک کردند، اما امرای نظامی و رهبران کردی که در قالب گروه اسدیه در رکاب شیرکوه شمشیر کشیده بودند، به برادرزاده‌اش پیوستند (دوسکی، ۲۰۱۳: ۶۹ - ۷۰). صلاح‌الدین نیز با همفکری با مشاورانی دوراندیش چون ضیاءالدین عیسی هکاری بر بی‌تجربگی‌اش فائق آمد (مقریزی، ۱۴۲۲: ۳۰۸) و در نخستین گام، سپاه فاطمیان را منحل و سپاه جدیدی جایگزینش کرد که هسته/رکن اصلی‌اش کردان بودند و به‌ویژه با انحلال گروه اسدیه بعد از مرگ شیرکوه و به تاسی از وی، گروهی از زبده‌ترین و نزدیک‌ترین کردان سپاه به خود را، در قالب گردانی به نام «صلاحیه» سازماندهی کرد و یکی از جنگاوران کرد به نام ابوالهیجاء السمین^{۱۰} را به فرماندهی‌شان برگزید (محمدحسین، ۱۹۸۷: ۳۸؛ ابودمعه، ۱۹۸۸: ۲۱۴؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۶۲). گردان صلاحیه به فرماندهی ابوالهیجاء در نخستین آزمون خود، طغیان خطرناک سیاهپوستان قصر در ۵۶۴ق را، که در پی قتل فرمانده‌شان متعاقب افشای توطئه‌شان برای برانداختن صلاح‌الدین با همدستی فرنگیان سر به شورش برداشته بودند، به سختی در هم کوفت (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۲۶/۱ - ۲۲۷) و امید صلیبیون برای جوانمرگ کردن قدرت نوپای صلاح‌الدین را به یأس مبدل کرد.

استظهار صلاح‌الدین به سپاه نوبنیادش، به‌ویژه کردان آن و گردان صلاحیه، در حوزه قدرت سخت و فرآیند کسب تجربه و تسلط وی بر امور در حوزه قدرت نرم، با همفکری و تشریک مساعی مشاورانی چون ضیاءالدین عیسی هکاری (ابن‌خلکان، بی‌تا: ۴۹۷/۳؛ انصاری قمی، ۱۳۸۵: ۱۴)، فرنگیان را از امید بستن به شکاف‌های داخلی مأیوس کرد و لذا

۱۰. حسام‌الدین ابوالهیجاء هذبانی، ملقب به السمین (چاق). از بزرگان امرای لشکری صلاح‌الدین و از اکراد حکمیه (زیرمجموعه هذبانیان) اربل و از فرماندهان ارشد ایوبیان در مواجهه با صلیبیون و رقبای داخلی جزیره و شام بود و در ۵۹۳ق درگذشت (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱/۱۰؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۱۶۰؛ مینورسکی، ۱۳۸۷: ۱۹۷ - ۱۹۸).

یکسال بعد، بندر دمیاط در شمال مصر را به محاصره افکندند و صلاح‌الدین یک نیروی برگزیده و آموزش‌دیده که سیف‌الدین مشطوب هکاری هم در میانشان بود را به نبردشان گسیل کرد که در نهایت مهاجمان صلیبی را ناکام گذاشتند (طواهی، ۲۰۲۰: ۱۱۸). با انقراض خلافت فاطمیان و تأسیس دولت ایوبیان توسط صلاح‌الدین در ۵۶۷ق، قدرت نرم و توان دیپلماتیک هکاریان، مصروف حل چالش دولت نوپای ایوبیان با زنگیان شد و صلاح‌الدین در تلاش برای تحکیم موقعیت خود، بعد از بروز تنش با نورالدین بر سر اولویت‌بندی مواجهه با صلیبیون یا پرداختن به تثبیت اوضاع داخلی، مشاور اعظمش ضیاءالدین عیسی هکاری را در ۵۶۸ق برای توضیح و دلجویی و رفع کدورت، به دربار نورالدین در دمشق اعزام کرد و ضیاءالدین در مقام سفیر به خوبی توانست با رفع تنش بین آن دو قدرت جهان اسلام (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۳۸۵/۹؛ عسلی، ۱۴۳۳: ۷۸)، مانع از تضعیف جبهه اسلامی در مواجهه با صلیبیون شود.

تعمیق چنددستگی و تنش در شام و جزیره متعاقب مرگ نورالدین در سال بعد و نیز تضعیف توان نظامی مصر در برابر صلیبیون به دلیل شورش‌های عدیده بقایای فاطمیان از ۵۶۴ تا ۵۷۰ق و سرکوب آنان توسط ایوبیان، واقعیت‌هایی نبود که از دیدگان تیزبین ارکان قدرت دولت نوپای ایوبی پنهان بماند و مجموع این شرایط، شخص صلاح‌الدین را بدین نتیجه رساند که انتظار حصول نتیجه از «نفت‌اندازی با خانه نین»، آب دریا گره زدن است و هر گونه پیروزی در جبهه خارجی، مشروط و منوط به انسجام و یکدستی در جبهه داخلی است و در تلاش برای نیل بدین مهم، بر یکپارچه کردن نیروهای پراکنده مسلمان در شام و جزیره متمرکز شد و در مواجهه با صلیبیون در این مرحله، چه برای حفظ سرزمین‌های اسلامی، یا ایجاد حائل میان صلیبیون و مسلمانان متحدشان، و یا حفظ مسیر خود از شام تا مصر، رویکرد دفاعی در پیش گرفت و تا حصول نتیجه در در تأسیس کیان متحد اسلامی و بسیج نیرو، به گریز و شیخون بر پناهگاه‌ها و دژهای صلیبیون و مصالحه کوتاه‌مدت بسنده (نک: طقوش، ۱۳۸۰: ۱۰۷، ۱۱۹) و بر این اساس در ۵۷۰ق دمشق را تصرف کرد و

با ورود به این شهر قاضی کمال الدین شهرزوری، که خود و تنی چند از خاندانش پیش تر در به قدرت نشاندن عمادالدین و نیز تقویت توانش در مواجهه با صلیبیون از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده بودند، به وی ملحق شد (ابن واصل، ۱۳۸۳: ۲۵/۲؛ نقلی، ۲۰۰۲: ۱۱۵-۱۱۶). با مقاومت قلعه استراتژیک شهر در برابر سپاه ایوبی، این قاضی نامدار کرد، با درک اهمیت رویکرد صلاح الدین در یکپارچه سازی جبهه اسلامی در آن برهه حساس، یکبار دیگر درایت و جایگاه رفیع و نفوذ سیاسی، معنوی اش را برای تقویت حکمرانی مسلمان، و البته این بار کردتبار، به کار گرفت و با مذاکره با مدافعان قلعه، زمینه واگذاری اش به صلاح الدین را فراهم کرد (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۴۰۶/۹). سیطره بر شام به عنوان پایگاه مقاومت بر ضد مهاجمان صلیبی و نزدیکی دمشق به مناطق تحت اشغال صلیبیون و سهولت اعزام نظامیان به آنجاها و تبادل اسیران و برخورداری اش از ویژگی هایی چون استواری دیوارها و برج ها، فراوانی امکانات زندگی و خوش آب و هوایی، این شهر را برای صلاح الدین و برنامه اش جهت همسوسازی جبهه اسلامی بر ضد فرنگیان، به شهری بی همتا تبدیل کرده بود و نقشی بی بدیل در تقویت قدرت نظامی وی در نبردهای بعدی با فرنگیان ایفا کرد و او با توجه به وجود پادگان کهن و مهم جاییه، به عنوان یکی از بزرگ ترین پادگان های شام و مرکزی برای نظامیان و نیز وجود قلعه شهر به عنوان برجسته ترین نماد نظامی و اداری دمشق و اشمالش بر ساختمان های دولتی و انبارهای اسلحه و زندان و خزانه بیت المال (محمدحسین، ۱۹۸۷: ۴۰)، بارها از آنجا برای تجمع و تجدید قوا و نیز تازش به شهرها و مناطق اطراف از جمله دژ مرتفع کرک و حطین (نک: ادامه همین نوشتار) بهره گرفت و بی تردید جایگاه و نفوذ قاضی کمال الدین، نقشی بنیادین در امکان و تسهیل سیطره صلاح الدین بر چنین مرکز راهبردی ای ایفا کرد و اگر او نبود، چه بسا چنین هدفی محقق نمی شد و یا اگر هم می شد، چنان زمان و توان می برد که زمینه را برای تحرکات بیشتر مهاجمان فراهم می کرد.

پیشروی صلاح‌الدین در دیگر مناطق شام در راستای تکمیل برنامه‌اش در یکپارچگی جبهه اسلامی، نزاریان را - که به دلیل انقراض فاطمیان دل خونی از وی داشتند - به واکنش واداشت و با همدستی با دیگر مخالفان/ دشمنان داخلی صلاح‌الدین و نیز مهاجمان صلیبی، چندین بار اقدام به ترور وی کردند و در یکی از خطرناک‌ترین نقشه‌ها برای نیل بدین مهم، با نفوذ به سپاه ایوبی به هنگام محاصره دژ عزاز در شمال حلب در ۵۷۱ق، به جانش سوءقصد و وی را مجروح کردند، اما یکی از امرای کرد به نام امیر داود بن منکلان با فدا کردن جان خود، این توطئه را ناکام گذاشت (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۵۳/۲). ناگفته پیداست که با توجه به آشفتگی موجود در جزیره و شام بعد از مرگ نورالدین و عدم حضور صلاح‌الدین در مصر، ترورش در این زمان چه پیامدهای سهمگینی در تضعیف، و در حقیقت فروپاشی جبهه اسلامی، و تقویت فرنگیان به دنبال داشت.

در تمام مدتی که صلاح‌الدین مشغول تعمیق دایره نفوذش در شام بود، از اینکه فرنگیان با توجه به سوابقشان مجدداً به مصر حمله و برنامه‌اش در پیشروی به شام و بعد جزیره و نیز راههای ارتباطی‌اش را مختل کنند، نگران بود و بر این اساس پس از تثبیت نسبی موقعیتش در شام، به مصر برگشت و با جدیت در تحکیم استحکامات شهری، نظامی و خطوط دفاعی آنجا کوشید. او در سال بعد، شرایط را برای حمله ناگهانی به شام مناسب دید و بعد از تصرف عسقلان، غیبت پادشاه و ارتش بیت المقدس در آنجا را فرصت شمرد و بدانجا لشکر کشید و چون سپاهیان‌ش بعد از تصرف رمله (که دروازه قدس بود) پراکنده و به گردآوری غنائم مشغول شدند، فرنگیان اغتنام فرصت کردند و با حمله‌ای برق‌آسا و ناگهانی، آنان را به سختی در هم شکستند و شمار زیادی را به اسارت گرفتند که ضیاءالدین عیسی هکاری^{۱۱} - که به گفته ابن اثیر «جنگاورترین مرد آن میدان» بود - و برادرش ظهیرالدین، از نامدارترین‌شان بودند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۴۲۸/۹ - ۴۲۹؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۳۴: ۲۴۸/۲۱؛

۱۱. طرفه آنکه آلبر شاندور بر این باور است که وی در این نبرد کشته شده و صلاح‌الدین بر مرگش گریسته

است (نک: شاندور، ۱۳۷۵: ۱۶۷)!

ابوالفدا، بی تا: ۶۰/۳). این رویداد چنان بر صلاح‌الدین گران آمد که، به‌رغم رویکرد پیشین مهربانانه‌اش با سپاهیان، در نخستین گام پس از بازگشت به مصر، اقطاع و مواجب گروهی از کردانی را که به باورش مسبب چنین شکست سهمگینی بودند، قطع کرد (ابودمعه، ۱۹۸۸: ۲۲۱؛ طقوش، ۱۳۸۰: ۱۱۶). شکست سهمگین رمله و عقب‌نشینی صلاح‌الدین به مصر، فرنگیان را جری‌تر کرد و با تشکیل جبهه متحدی متشکل از کُنت فلاندر، حکمران بیت‌القدس و حکمران طرابلس، به حَمَاة لشکر کشیدند و با توجه به وضعیت نابسامان آنجا کم مانده بود که شهر را در سیطره بگیرند، اما سیف‌الدین مشطوب هکاری که در آن نزدیکی بود، در آستانه سقوط شهر سر رسید و ورق را برگرداند و شکستی سخت بر جبهه متحد فرنگیان وارد ساخت و با توجه به اهمیت این رویداد و نقش‌اش در التیام ناسور شکست رمله، به خط قاضی فاضل، کاتب و رئیس دیوان انشای صلاح‌الدین، مایه‌ای را به مستضی (حک: ۵۶۶ - ۵۷۵ ق) در دارالخلافه بغداد گزارش کرد (اصفهانی، ۱۹۸۷: ۵۳/۳؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۳۴: ۲۴۸/۲۱؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۷۵/۲؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۹۴؛ طوایه، ۲۰۲۰: ۱۱۹ - ۱۲۰). نقش بی‌بدیل و انکارناپذیر مشطوب هکاری در تحقق چنین پیروزی درخشانی، آن هم پس از شکست سهمگین رمله، نام وی را بر سر زبانها انداخت و پایش را به منابع تاریخی کشاند (نک: ادامه همین نوشتار) و مورخان را واداشت که به‌رغم رویکرد پیشین^{۱۲}، به نقش‌اش اعتراف کنند و یادآور شوند که اگر او نبود، سقوط شهر «حتمی» بود (سبط ابن جوزی، ۱۴۳۴: ۲۴۸/۲۱؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۵/۲).

۱۲. چنین فرماندهی که بتواند چنین سپاهی را در هم بشکند، منطقی نیست پیش‌ازاین گوشه عزلت گزیده و در هیچ نبردی شرکت نکرده باشد و بعد به یکباره «اصبحت کردیا و امسیت عربیا»، چنان توان رزمی و شجاعتی کسب کند که بتواند چنین شکستی بر چنان فرماندهانی بچشاند! بی‌تردید او پیش‌تر نیز در نبردهای عدیده شمشیر کشیده بود و به نظر می‌رسد که فقدان منابع مصری مرتبط با این دوره و ابتدای معلومات ما به مورخان شامی‌ای که تمرکزشان در درجه نخست بر صلاح‌الدین بود، دلیل عدم تصریح مورخان به نام و نقش او و امثالش در منابع باشد (نک: طوایه، ۲۰۲۰: ۱۱۸).

پیروزی درخشان مشطوب، هم روحیه صلاح‌الدین و جبهه اسلامی را ترمیم و زمینه را برای بازگشت مجدد وی به شام جهت پیگیری سیاست همسوسازی جبهه اسلامی فراهم کرد و هم باعث شد که او برای تسریع در سیطره بیشتر بر شام، دست به تغییر آرایش سیاسی، نظامی آنجا بزند و ضمن تغییر حکمرانان دمشق و حماة و انتصاب برادرزادگانش به حکومت آن دو شهر، سیف‌الدین مشطوب را برای همیشه از مصر به شام منتقل و او و کردان تحت امرش را هم به سپاه حماة منضم کند. مشطوب و یارانش به خوبی از عهده دفاع از جبهه شمالی و میانی شام در برابر تهاجمات توأمان دو قدرت صلیبی انطاکیه و طرابلس و زنگیان حلب و موصِل برآمدند و این مهم، خود گواه نهایت همکاری و همدلی این جنگاور هکاری با حکمرانان منصوب صلاح‌الدین از یک‌سو و دلیل آشکار اعتماد صلاح‌الدین به وی در مقابله با مشکلات و چالش‌های دولت ایوبیان در سال‌های ابتدایی‌اش است (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۸۹/۲؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۹۵؛ طواهیه، ۲۰۲۰: ۱۱۹ - ۱۲۰). از آنجا که مشطوب «امیر کردان و بزرگ آنان» بود (ابن‌خلکان، بی‌تا: ۱۸۳/۱)، طبیعی است که نتیجه پررنگ شدن نقش وی در این جنگها، ظهور هکاریان در عرصه سیاسی و تبدیل آنان به یکی از ارکان رکن سپاه ایوبیان باشد (مجید امین، ۲۰۰۲: ۶۲) که با آزادی ضیاءالدین عیسی هکاری و برادرش ظهیرالدین در سال بعد توسط صلاح‌الدین با صرف پول و تبادل اسیر با فرنگیان (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۴۲۹/۹؛ سبط ابن‌جوزی، ۱۴۳۴: ۲۱/۲۶۲؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۹۲/۲)، توان نظامی و میزان و سطح کنشگری‌شان هم به شدت تقویت شد (نک: ادامه همین نوشتار).

با تعمیق سیطره صلاح‌الدین بر بخش اعظم شام در نتیجه این آرایش جدید و ملحق شدن مجدد «مرد جنگی» ای چون ضیاءالدین عیسی - که جامع لباس رزم و علم بود (ابن‌خلکان، بی‌تا: ۴۹۸/۳) - به سپاه ایوبی، امکانی فراهم شد که لزوم همسوسازی کانون‌های قدرت حاکم بر جهان اسلام در مواجهه با صلیبیون، به دیگر مناطق هم تسری پیدا کند و بر این اساس مشطوب هکاری در ۵۷۵ق در تکمیل این رویکرد با سپاهی تحت

فرمان تقی الدین عمر (برادرزاده صلاح الدین) به نبرد قلج ارسلان سلجوقی (حک: ۵۵۱ - ۵۸۱ق) در دژ رعبان، بین سُمیسط و حلب نزدیک فرات، رفت و برون داد مجدد همسویی و هم‌افزایی این دو فرمانده هکاری و ایوبی، پیروزی با هزار جنگجو بر سپاه بیست‌هزاری سلجوقیان روم (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۳۱/۳؛ طواهیه، ۲۰۲۰: ۱۲۰) و پیامد این پیروزی درخشان نیز ارتقای موقعیت صلاح الدین در میان قدرت‌های اطراف خود و به‌ویژه عباسیان بود. هکاریان در کمک به همسوسازی جبهه اسلامی بر ضد مهاجمان صلیبی، به عرصه نظامی بسنده نکردند و در عرصه سیاسی نیز فعال شدند و در ۵۷۸ق که صلاح الدین در صدد سیطره بر موصل و ادغام نیروی نظامی‌اش در سپاهیان خود برآمد و کار به مداخله خلیفه وقت عباسی کشید، این ضیاءالدین عیسی هکاری بود که در مقام سفیر ایوبیان، زمینه صلح بین طرفین را فراهم کرد (اصفهان، ۱۹۸۷: ۳۸/۵؛ نقلی، ۲۰۰۲: ۱۲۶-۱۲۷) و با این کار، مانع از ائتلاف توان نظامی مسلمانان در نبردی داخلی شد و با درایت و دوراندیشی‌ای که از او انتظار می‌رفت، هم نیروی نظامی جبهه اسلامی را تقویت و هم خاطر صلاح الدین را از جانب موصل، آسوده کرد. این فقیه هکاری، با اوجگیری تلاش‌ها برای یکپارچگی جبهه اسلامی و در پی بروز تنش بین ارمن‌شاهان و ایلدگزیان بر سر حاکمیت شهر اخلاط در آناتولی شرقی در جزیره در ۵۸۱ق، باز هم به نمایندگی از صلاح الدین بدانجا رفت (ابن‌شداد، ۲۰۱۲: ۴۷؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۲/۲؛ رائد، ۲۰۱۹: ۲۲؛ شاندور، ۱۳۷۵: ۲۱۶) و با دستیابی طرفین منازعه به صلح، به اردوی صلاح الدین بازگشت.

بعد از استقرار آرامش در مرزهای جزیره با تلاشهای سیاسی، نظامی سرداران هکاری، از آنجا که با روی کارآمدن ایوبیان و به‌ویژه بعد از تلاش‌های صلاح الدین برای یکپارچگی قدرت‌های حاکم بر مصر و شام و جزیره، دایره نبردهای صلیبیون در جهان اسلام، در مقایسه با دوره زنگیان، گسترده‌تر شده بود، مناطق کردنشین در برنامه‌های ایوبیان برای آزادسازی سرزمین‌های اسلامی از وجود فرنگیان، اهمیتی به مراتب بیشتر از قبل پیدا کرد و

بر این اساس صلاح‌الدین بعد از حصول اطمینان از آرامش در مرزهای جزیره، بر گستراندن دایره شمول قدرتش بر مناطق کردنشین جزیره و استظهار به نیروی نظامی کردان متمرکز شد و با توجه به جایگاه راهبردی موصل و مناطق اطرافش برای از سرگیری نبرد بر ضد صلیبیون، تصمیم به تسخیر آنجا گرفت. پیش از اقدام عملی برای این مهم، قاضی ضیاءالدین شهرزوری، که از آغاز کشورداری صلاح‌الدین آهنگ خدمت به او در دیار مصر کرده بود (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۶۰/۲)، در ۵۸۱ق به دارالخلافه رفت تا ضمن تأکید بر خیرخواهی صلاح‌الدین برای دستگاه خلافت و جهان اسلام، با تشریح اقدامات حاکمان موصل در تضعیف جبهه اسلامی و ازجمله ارتباط آنان با فرنگیان، موافقت ناصر (حک: ۵۷۵ - ۶۲۲ق) را برای این حمله جلب کند (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۹۶/۲). با به ثمر نشستن تلاش این قاضی نامدار کرد و موافقت خلیفه عباسی، موصل به محاصره سپاه ایوبی درآمد و با مقاومت شهر در برابر مهاجمان، سیطره بر مناطق مهم و حساس پیرامون در دستور کار قرار گرفت و برای نیل بدین مهم، امرای کرد حمیدی^{۱۳} دژهای مهم کردنشین شرق موصل (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۹۷/۲) و سیف‌الدین مشطوب هکاری دژها و مناطق مهم شهر هکاری را به قلمرو صلاح‌الدین منضم و نیروی نظامی آن مناطق را در سپاه ایوبی ادغام کردند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۶/۱۰؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۹۷/۲؛ طوایفه، ۲۰۲۰: ۱۲۱). پیوستن کردان حمیدی و هکاری اطراف شهر به سپاه ایوبی، روحیه موصلیان را به کلی تضعیف کرد و از عوامل مهمی بود که باعث شد حکمران شهر، این بار به‌رغم دفعات پیشین، طی صلحنامه‌ای نه تنها به حاکمیت ایوبیان گردن نهد، بلکه متعهد شود که صلاح‌الدین را نیز در بازپس‌گیری بیت‌المقدس کمک کند (جهت تفصیل مطلب، نک: ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۵/۱۰ - ۶؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۰۱/۲؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۱۰۰ - ۱۰۴). ناگفته پیداست که در آن اوضاع ملتهب که دشمنی کینه‌توز چون رنودوشایتون، حکمران کُزک، را چنان جری کرده بود

۱۳. طایفه‌ای از کردان که بر دژهایی در اطراف موصل حکم می‌راندند (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۷۱/۸).

که درصدد به آتش کشیدن کعبه و ویران کردن مکه و مدینه (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۴۵۲/۹؛ شاندور، ۱۳۷۵: ۱۷۹) و به گفته ابن جبیر (د. ۵۹۶ق)، معاصر او، انتقال مرقد پیامبر به سرزمینهای متصرفی خود برآمد (نک: شاندور، ۱۳۷۵: ۱۸۶)، عدم دستیابی به صلح و مواجهه نظامی دو سپاه زنگی و ایوبی بر سر شهری راهبردی چون موصل، اگر کل برنامه صلاح الدین برای یکپارچگی جبهه اسلامی و ورود به فاز تهاجمی را به شکست نمی کشاند و یا در فرضی خوشبینانه تر آن را به آینده ای نه چندان نزدیک به تعویق نمی انداخت، دست کم با تضعیف جبهه اسلامی، زمینه پیشروی بیشتر فرنگیان در شرق جهان اسلام را فراهم می کرد و چه بسا نه از تاک نشانی می گذاشت و نه از تاک نشان!

چنان که گذشت، نقش آفرینی کردان غیرایوبی در عرصه های مشورتی، سیاسی و نظامی، در کنار دیگر ارکان سپاه دولت های زنگی و به ویژه ایوبی، مانع از پیشروی فرنگیان در مناطق شرقی جهان اسلام شد و با پررنگ شدن این نقش آفرینی در دوران نخست رابطه صلاح الدین با صلیبیون، زمینه ای فراهم شد تا با یکپارچگی مصر و شام و تضمین پشتیبانی موصل، او از فاز دفاعی به فاز تهاجمی تغییر رویکرد بدهد و به هدف دوم و اصلی اش که دستیابی به بیت المقدس بود، دست پیدا کند (نک: ادامه همین نوشتار).

دوره دوم رابطه صلاح الدین با صلیبیون و خروج وی از موضع دفاعی به موضع تهاجمی که از ۵۸۲ق آغاز و به مرگ وی در ۵۸۹ق ختم شد، اوج نقش آفرینی کردان غیرایوبی و به ویژه کردان مِهرانی^{۱۴} (دوسکی، ۲۰۱۳: ۱۰) در جنگ های صلیبی و تصریح

۱۴. از قبایل ریشه دار و اصیل کرد اقلیم جزیره و کوه های هکاری در شمال و شمال شرق موصل بودند که امروزه جزء تقسیمات شهر زاخو از توابع استان دهوک اقلیم کردستان عراق است. منطقه محل انتشار آنان در آن روز، بلاد هکاری خوانده می شد و بر این اساس مورخان از دژهای محل سکونتشان، نه به عنوان دژهای مِهرانی که به عنوان دژهای بلاد هکاری یاد کرده اند (به عنوان مثال، نک: ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۵۳/۹). مِهرانیان همچون دیگر طوایف کرد منطقه جزیره، در پی حملات عمادالدین زنگی و دیگر اتابکان موصل،

منابع بر این حضور سرنوشت‌ساز است. کردان در مقام مهم‌ترین رکن سپاه ایوبی که جمعیت آنها پیوسته روبه‌افزایش بود (مایر، ۱۳۷۱: ۱۵۰) پس از دوازده سال مبارزه در دوره نخست و برقراری وحدتی یکپارچه در سراسر نیل تا فرات، در دوره دوم با رویکرد تهاجمی به مصاف صلیبیون رفتند و پیروزی‌هایی کسب کردند که نامشان را در تاریخ این جنگ‌ها جاودانه کرد. آنان به‌ویژه در پیروزی در نخستین نبرد مهم این دوره در حطین، نقشی بسیار مهم ایفا کردند (طوقش، ۲۰۱۵: ۵۴) و چنان‌که پیش‌تر بدان تصریح شد، کردان مهرانی در این نبرد بسیار خوش درخشیدند و با دستگیری دو تن از مشهورترین چهره‌های نظامی، هیبت و جایگاه پادشاهان و امرای بلندمرتبه صلیبی را در هم شکستند و هم از لحاظ ذهنی و هم از لحاظ عینی، زمینه را برای پیشرفت برق‌آسای مسلمانان در شام فراهم کردند و نام خود را بر تارک تاریخ جنگ‌های صلیبی نشان‌دادند؛ عزالدین درباس مهرانی در گرماگرم این نبرد پادشاه بیت‌المقدس، گی دولوزینیان، را به اسارت گرفت (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۲۹۸/۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۰/۴۱؛ دوسکی، ۲۰۱۳: ۷۴ - ۷۵) و امیر ابراهیم غلام مهرانی نیز حلقه اسارت در گردن رنودوشایتون، حکمران کرک و شوبک، افکند که فرمانده سپاه فرنگیان در نبرد رمله و از سرسخت‌ترین و بدترین دشمنان مسلمانان بود و چنان‌که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، بجز اسائه ادب به ساحت پیامبر، بر آن بود که با حمله به مکه و مدینه گهواره اسلام را نابود کند (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۲۹۸/۳؛ دوسکی، ۲۰۱۳: ۷۵ - ۷۶).

طرفه آنکه در چنین نبرد سرنوشت‌سازی که بزرگ‌ترین ارتش صلیبی تشکیل‌شده تا آن زمان را در هم کوفت و جهان شرقی اسلام را سیادت بخشید و سرآغاز پیروزیهای درخشان مسلمانان در نبردهای بعدی بود که در نهایت به بازپس‌گیری بیت‌المقدس بعد از سیزده‌ماه انجامید (نک: ادامه همین نوشتار) و به گفته تاریخنگاری چون ابن‌شداد (د. ۶۳۲ق) شکست دردناک رمله را جبران کرد (ابن‌شداد، ۲۰۱۲: ۹۷) و چنان ضربه‌ای به فرنگیان وارد

سیطره و قلاع خود را از دست دادند و با ظهور ایوبیان، به صلاح‌الدین ایوبی پیوستند و در رکابش در جنگ‌های صلیبی شمشیر کشیدند (دوسکی، ۲۰۱۳: ۹، ۲۸).

ساخت که تا آن روز تجربه‌اش نکرده بودند (مایر، ۱۳۷۱: ۱۵۶)، از چهره‌های بلندمرتبه شورای عالی جنگ سپاه ایوبی (محمدحسین، ۱۹۸۷: ۵۳) همچون ضیاءالدین عیسی هکاری، که در این نبردها پیوسته «لباس رزم بر تن و دستار فقیهان بر سر» داشت (ابن خلکان، بی‌تا: ۴۹۸/۳) و به‌ویژه سیف‌الدین مشطوب هکاری که «وی را در جهاد موافقی بسیار و معروف و معهود و مقاماتی مشهور و مشهود بود» (اتابکی، ۱۳۸۳: ۴۸۳/۲، پاورقی ۱) و «با آتش خشمش جنگها را برمی‌افروخت و از وجودش بر دشمنان درد و رنج و سختی فرومی‌باراند» (اصفهانی، بی‌تا: ۴۲۲) و از «بزرگان سپاه ایوبی و دلاوران اسلام» بود (ابن‌شداد، ۲۰۱۲: ۱۱۹)، نامی نیست! از آنجا که او در نبردهایی پیشین و آنهایی که بی‌درنگ پس از حطین درگرفت و در نهایت به آزادی بیت‌المقدس انجامید مشارکت داشت (نک: ادامه همین نوشتار)، می‌توان گفت که در حطین هم شمشیر کشیده و بر دشمن صلیبی رنج و سختی فروبارانده است و بنا به دلایلی همچون: مشارکتش دوشادوش دیگر سرداران و عدم ایفای نقشی متمایز و انحصاری همچون دفاع از حماة که برای مورخان جلب توجه و نگاهها را صرفاً به او معطوف کند از یک سو (مجید امین، ۲۰۰۲: ۹۷؛ طوایه، ۲۰۲۰: ۱۲۱) و تمرکز مورخان بر مهرانیان در این نبرد، با عنایت به مسبوق به سابقه نبودن اقدامشان تا آن روز و آوازه و جایگاه بلند اسیرانشان و اهمیت و پیامدهای ژرف اقدام شجاعانه شان از دیگر سو، به نامش در این نبرد اشاره نشده است!

پس از پیروزی حطین، صلاح‌الدین و کردان تحت امرش در نخستین گام برای بازپس‌گیری دیگر شهرهای شام، با توجه به واقع شدن عکا بر سر راه موصل به بیت‌المقدس از یک سو و لزوم قطع راه اصلی کمک اروپاییان به صلیبیون از دیگر سو با سيطرة بر آن، بدان‌جا لشکر کشیدند و با تسخیرش، صلاح‌الدین در اقدامی غیرمعمول، با توجه به نقش بی‌بدیل ضیاءالدین عیسی هکاری در جنگ‌ها و به پاس قدردانی از خدمات سیاسی،

نظامی‌اش تا آن زمان، تمامی دارایی‌های فرقه داوویه^{۱۵}، اعم از خانه‌ها، املاک و... را به وی بخشید (ابن‌اثیر، ۱۴۲۲: ۲۸/۱۰؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۳۸/۲ - ۲۳۹؛ مجیرالدین حنبلی، ۱۳۶۸: ۳۲۳/۱) و این مؤید جایگاه رفیع این سردار کرد هکاری در سپاه ایوبی و قدرشناسی صلاح‌الدین از اقداماتش در مواجهه با دشمن صلیبی است.

با تضعیف صلیبیون شام به دلیل قطع راه ارتباطی آنان با فرنگیان بعد از سقوط عکا، سپاه ایوبی برای بازپس‌گیری دیگر مناطق به چند دسته تقسیم شد، اما سیف‌الدین مشطوب، دیگر فرمانده بلندمرتبه هکاری، با صلاح‌الدین ماند و به همراه وی به جنوب شام لشکر کشید و در نبردی سخت ابتدا تبین و بعد در مسیر حرکت به صیدا، صَرْفَند را تصرف کردند (مجید امین، ۲۰۰۲: ۹۸) و در ادامه صیدا را در جنوب بیروت از سیطره صلیبیون خارج ساختند و مشطوب به حکومت آنجا منصوب شد (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۸۸/۲؛ مجید امین، ۲۰۰۲: ۹۸)، اما بدون یک روز اقامت در دارالحکومه، با انتصاب جانشینی به‌جای خود، ادامه پیشروی در شام را به ماندن در آنجا ترجیح داد و در رکاب صلاح‌الدین به بیروت لشکر کشید. بعد از سیطره بر شهر، صلاح‌الدین در ادامه رویه‌اش در واگذاری حکومت شهرهای مفتوحه به سرداران ارشدش به‌عنوان پاداش، برای تجلیل از شجاعت‌ها و پایداری‌های سیف‌الدین مشطوب و نیز اشراف جنگاوری دلیر و باکفایت همچون او بر شهر صور که پس

۱۵. از فرقه‌های کاتولیک با روحیه جنگاوری. این فرقه در جنگ‌های صلیبی و پس از آن تا سده سیزدهم، از نظر نظامی، اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی، تأثیرگذار بود. ادریسی (د. ۵۶۰ق)، از معاصران داوویه، آنان را خادمان خدا معرفی کرده و یاقوت حموی آنان را فرنگیانی دانسته است که راهب بودند و خود را وقف جنگیدن با مسلمانان کرده بودند. این فرقه در ۵۱۲ق، سال‌ها پس از نخستین جنگ صلیبی و اشغال بیت‌المقدس، به رهبری هوگ پاپ و گودفری سن تومر تأسیس شد. آنان تهیدستی، پاک‌دامنی، و فرمان‌برداری را شعار خود قرار دادند و با اعلام محافظت از زائران مسیحی یافا و جنگ با مسلمانان، فعالیت خود را آغاز کردند. عمده پیروزی‌های صلیبیون در شام، به اقرار فرماندهان صلیبی، به سبب ایستادگی، سرسختی و خشونت داوویه بود (جهت تفصیل مطلب، نک: عودی و خان‌احمدی، ۱۳۹۳).

از شکست حطین به مرکز تجمع صلیبیون و تجدید قوای آنان تبدیل شده بود، حکومت این «مستحکم‌ترین، پاک‌ترین و زیباترین شهرهای ساحلی» (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۳۰/۱۰) را نیز به این فرمانده نامدار هکاری سپرد (مجید امین، ۲۰۰۲: ۹۸).

پس از بیروت، صلاح‌الدین در تکمیل تعمیق سیطره‌اش بر شام جهت بازپس‌گیری بیت‌المقدس، عسقلان را به‌عنوان واپسین کانون مقاومت صلیبیون، به محاصره درآورد و از آنجا که بر سر راه مصر به شام واقع شده و صلیبیون از آن به‌عنوان پایگاهی برای تهدید مصر و نیز قطع راه‌های مواصلاتی بین آنجا و شام بهره می‌گرفتند، تسخیرش برایش بسیار مهم بود و براین‌اساس سپاه برادرش ملک عادل (د. ۶۱۶ق) را نیز از مصر به یاری طلبید. کردان مهرانی با علم بدین مهم، در جریان محاصره سخت و نفس‌گیر چهارده‌روزه این شهر، نقش اصلی را در اعمال فشار و تحمیل صلح بر مدافعان ایفا کردند و فرنگیان چون در جریان مبارزات سخت روزهای محاصره، امیر حسام‌الدین مهرانی را کشته بودند و از انتقام مهرانیان می‌ترسیدند، واگذاری شهر را مشروط به تضمین امنیت و مصونیتشان از شعله‌های آتش انتقام این طایفه کرد کردند و با موافقت صلاح‌الدین و تضمین مهرانیان، این واپسین مانع برای بازپس‌گیری قدس نیز به تصرف سپاه ایوبی درآمد (اصفهانی، بی‌تا: ۶۵؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۳۳/۱۰؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲/۲۴۸).

گویی تقدیر چنین رقم خورده بود که پیوسته شهد شیرین این پیروزی‌ها و دستیابی به میوه آنها که فتح بیت‌المقدس بود، به کام کردان سپاه تلخ گردد و متناظر با اهمیت و جایگاه بلند این شهرها، هر بار سرداری بزرگ از آنان در پای دیوارشان قربانی گردد، چه با محاصره بیت‌المقدس و نزدیک‌شدن سپاه ایوبی به این شهر نیز، یکی از بلندمرتبه‌ترین و محبوب‌ترین سرداران کرد به نام جمال‌الدین زَرزاری^{۱۶} با گروهی از کردان تحت فرمانش در

۱۶. زَرزا (زرزاری)، یکی از ایلات کرد که در مناطق مرزی ایران، ترکیه و عراق زندگی می‌کنند. نخستین بار یاقوت در اواخر سده ششم هجری از زَرزا یاد می‌کند. وی از دژی به نام خفتیان نام می‌برد که متعلق به زَرزاها بوده است. به نوشته یاقوت، این دژ در راه اربل - مراغه قرار داشته که امروزه در منطقه سوران در اقلیم

کمین پیش قراولان سپاه صلیبی که برای گشت‌زنی از شهر خارج شده بودند، افتاد و با مرگش شبی از اندوه و ماتم بر سپاه ایوبی گستراند (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲/۲۵۰).

البته محروم شدن پیایی کردان از چنین سرمایه‌های انسانی‌ای، از دیدگان تیزبین صلاح‌الدین پنهان نماند و در پاداش این جان‌فشانی‌ها و در ادامه رویکردش در قدر دانستن و بر صدر نشانیدن کردان، با فتح بیت‌المقدس در رجب ۵۸۳ق، حکومت این نخستین قبله و سومین شهر مقدس مسلمانان و نیز شهر مقدس مسیحیان و یهودیان را به مشاور اعظم و جنگاور نامدارش فقیه ضیاءالدین عیسی هکاری سپرد و او نیز برادرش ظهیرالدین را به نیابت از خود بر آن گماشت و حتی بعد از مرگ ضیاءالدین در ۵۸۵ق هم صلاح‌الدین بنا به احترامی که برایش قائل بود، جانشینان منصوب وی را بر حکومت این شهر ابقا کرد (اصفهانی، بی‌تا: ۳۰۳؛ زکار، ۱۹۹۵: ۲۱/۲۶۵؛ عثمانی، ۲۰۰۶: ۲۹۵). انتصاب این سردار کرد هکاری به حکومت شهری که در روایات اسلامی «جایگاه انبیاست» و قداستش به‌ویژه از ۵۳۹ق در دوره عمادالدین زنگی و در عهد صلاح‌الدین و سال‌های پیش‌و‌پس از ۵۸۳ق به اوج خود رسید و به همین دلیل آثار متعددی تحت عنوان «فضائل القدس» درباره‌اش نگاشته شده است (کریمی و موجانی، ۱۳۹۳)، گواه دیگری است بر جایگاه رفیع هکاریان و به‌ویژه این عالم - مجاهد کرد هکاری در نزد صلاح‌الدین و سپاه ایوبی. با شروع روند خروج صلیبیون از شهر، ضیاءالدین در قامت حکمران، لباس رزم از تن درآورد و دستار عالمان واقع‌اندیش بر سر، با شناختی که از تاریخ دیرین و بستر عینی شهر داشت و با درک الزامات حکمرانی و علم به حساسیت و پیچیدگی و ظرافت‌های اداره چنان شهری با چنان جایگاهی در میان پیروان ادیان مختلف، در نخستین گام برای استقرار آرامش و امنیت، با مذاکره با صلاح‌الدین، امنیت جان و مال اعراب مسیحی شهر، در مقام ساکنان اصلی

کردستان واقع است. یک سده بعد ابن‌فضل‌الله عمری به تفصیل از پراکندگی جغرافیایی زرزها سخن می‌گوید. مناطق مورد اشاره وی، امروزه در حد فاصل اشنویه در ایران تا منطقه رواندز در استان اربیل کردستان قرار دارند (جهت تفصیل مطلب، نک: فرزانه، ۱۴۰۳).

آنجا، را تضمین و بستر لازم را برای اقامت توأم با امنیتشان فراهم کرد (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۴۰۲/۳؛ راند، ۲۰۱۹: ۲۸). او در ادامه، در مقام عالمی تیزبین و کنشگر در هر دو حوزه نظر و عمل و آگاه به جایگاه قبة الصخره در افکار عمومی مسلمانان و نقش آن در نمادین کردن بصری حضور اسلام در یک شهر مسیحی و اعلام این حضور به عنوان عرض اندام اسلام در برابر مسیحیت، برای تحکیم هویت اسلامی شهر و پاسداشت نمادهای هویتی مسلمانان، آثار و نمادهای مسیحیتی را که صلیبیون بر قبة الصخره افزوده بودند، از این نخستین بنای مبتنی بر خودآگاهی معماری اسلامی زدود (ابوشامه، ۱۴۱۸: ۳۹۸/۳؛ راند، ۲۰۱۹: ۲۸) و با نصب پنجره آهنین مشبکی بر آن، هر گونه امکان دست کاری مجددش در آینده را سلب کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۲۶/۱۲؛ نقلی، ۲۰۰۲: ۱۵۳).

با استقرار آرامش در شهر و تمهید شرایط توسط این فقیه هکاری، پس از ۹۲ سال که شهر در تصرف فرنگیان بود، در نخستین جمعه پس از فتح، در آنجا نماز جمعه برگزار و طنین اذان جایگزین ناقوس مسیح در مسجدالاقصی شد و در ادامه ایفای نقش کردان در مسئولیت های حساس و مهم، قاضی ضیاء الدین شهرزوری برای بشارت فتح قدس، عازم دارالخلافه شد تا بشارت فتح قدس را به الناصر لدین الله عباسی برساند (اصفهانی، بی تا: ۸۲-۸۳؛ زکار، ۱۹۹۵: ۲۶۵/۲۱).

نتیجه

با تهاجم صلیبیون به جهان اسلام در روزگار تفرقه و تشتت و ضعف و شکاف های داخلی مسلمانان و پیشروی این مهاجمان در شام، کردان نیز که به علت همسایگی با آن منطقه در معرض امواج سهمگین این تهاجم قرار گرفته بودند، تلاش هایشان را بر کمک به تشکیل کانون قدرتی که بتواند سد راه مهاجمان شود، متمرکز کردند. همسویی تلاش های آنان با علل و دلایلی که موضوع این نوشتار نیست، به روی کار آمدن اتابکان زنکی در موصل و

شمال جزیره انجامید. محدودیت قلمرو غالباً کردنشین زنگیان، آنان را از به‌خدمت‌گرفتن پیاده‌نظام دیلمی و خراسانی سپاه سلجوقیان محروم و بیشتر به کردان متکی کرد و در نتیجه، به پررنگ‌شدن نقش کردان و ارتقای جایگاه سیاسی و نظامی آنان انجامید. در آن سو نیز تهاجم مرگبار صلیبیون و پیشروی‌های برق‌آسای آنان، به تقویت و ارتقای جایگاه نظامیان در مناطق مورد تعرض منجر شد و این، نیاز زنگیان را نیز به کردان بیشتر از پیش کرد. با انتقال میراث زنگیان به ایوبیان و باتوجه‌به کرد بودن آنان، روند پیوستن دیگر کردان به این دولت کرد سرعت، شدت و شمول گسترده‌تری پیدا کرد و نیاز بیشتر سپاه ایوبی به نیروی نظامی، باتوجه‌به گسترده‌تر شدن میدان نبرد آنان با صلیبیون در مقایسه با زنگیان، کردان را به مهم‌ترین رکن سپاه ایوبی تبدیل کرد. این روند جابه‌جایی طبقات اجتماعی جهان اسلام متعاقب جنگ‌های صلیبی، در دولت صلاح‌الدین و دو مرحله روابط وی با صلیبیون، به اوج رسید. کردان غیریابی تحت فرمان وی، در مرحله نخست که دوران فاز دفاعی و یکپارچه‌سازی جبهه اسلامی در مواجهه با فرنگیان بود، عمدتاً بر تعمیق و تثبیت قدرت این حکمران نامدار ایوبی در شام و جزیره متمرکز شدند و ضمن الحاق شهرها و دژهای مهم این دو منطقه به قلمرو وی، در واپسین تلاش‌ها، با انتزاع توان نظامی کردان منطقه مهم هگاری و اطراف موصل از قدرت زنگیان و الحاق آن به سپاه ایوبیان، هم زمینه سیطره صلاح‌الدین بر شهر استراتژیک موصل را فراهم ساختند و زنگیان حاکم بر آن را هم به حمایت از او در مواجهه با صلیبیون ناچار ساختند و هم قدرت خود را برای ورود به مرحله دوم، دوچندان کردند. با ورود صلاح‌الدین به فاز تهاجمی در مرحله دوم، به ترتیب، کردان هگاری، مِهرانی، حُمَیدی، زَرزاری و شَهَرزوری سپاهش، در هر دو عرصه سیاسی و نظامی خوش‌تر درخشیدند و در تلاش برای عقب راندن صلیبیون از شهرهای اسلامی، هم حلقه اسارت در گردن نامدارترین پادشاهان و فرماندهان صلیبی افکندند و هم بر عالی‌ترین مناصب سیاسی شهرهای مهمی همچون بیروت و به‌ویژه بیت‌المقدس نشستند.

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (بی تا). *التاریخ الباهر فی الدولة الأتابکیه*. به کوشش عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره: دار الکتب الحدیثه.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۴۲۲). *الکامل فی التاریخ*. به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین (بی تا). *وفیات الأعیان و إنباء ابناء الزمان*. به کوشش احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- ابن شداد، بهاء الدین ابوالمحاسن (۲۰۱۲). *التّوادر السلطانیة و المحاسن الیوسفیه*. قاهره: مؤسسة هنداوای للتعلیم و الثقافه.
- ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل (۱۴۰۷). *البدایه و النّهایه*. بی جا: دار الفکر.
- ابن واصل، جمال الدین محمد (۱۳۸۳). *تاریخ ایوبیان*. ترجمه پرویز اتابکی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابوالفدا، عماد الدین اسماعیل (بی تا). *المختصر فی اخبار البشر*. بی جا: المطبعة الحسینیة المصریة.
- ابوبدر، شاکر احمد (بی تا). *الحروب الصلیبیة و الأسرة الزنکیه*. بیروت: الجامعة اللبنانیة.
- ابودمعه، امین (۱۹۸۸). «الإقطاع العسکری فی العهد الأیوبی» *دراسات تاریخیه*، شماره های ۲۹ و ۳۰: صص ۲۱۱ - ۲۳۷.
- ابوشامه، شهاب الدین عبدالرحمان (۱۴۱۸). *الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیه*. به کوشش ابراهیم زیبق، بیروت: مؤسسة الرساله.
- اتابکی، پرویز (۱۳۸۳). *پاورقی بر تاریخ ایوبیان*. نک: ابن واصل.
- اشترشی تفرشی، علیرضا و گودینی، مهری (۱۳۹۳). «ارتباط متقابل عالمان سنی با حاکمان زنگی». *تاریخ و تمدن اسلامی*. شماره ۲۰، صص ۹۳ - ۱۱۰.
- اصفهانى، عماد کاتب (۱۹۸۷). *البرق الشامی*. به کوشش فالح حسین، عمان: مؤسسة عبدالحمید شومان.
- اصفهانى، عماد کاتب (بی تا). *الفتح القسی فی الفتح القدسی*. بی جا: دار المنار.
- انصارى قمی، حسن (۱۳۸۵). «دین و دولت در دولتهای آل زنگی و ایوبیان؛ درآمدی بر ادبیات اسلامی»، کتاب ماه دین. شماره های ۱۰۴ - ۱۰۶، صص ۶ - ۳۳.
- ایغلتن، ویلیام (۲۰۰۶). *القبائل الكردیه*. ترجمه احمد محمود خلیل، اربیل: مؤسسة موکریانى للطباعة و النشر.

- ایوبی، مهدی (۱۳۸۹). «تأملی در چگونگی تعامل صلاح‌الدین ایوبی با اسماعیلیان». فصلنامه علمی - تخصصی سخن تاریخ، شماره ۱۰، صص ۳-۲۷.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱). «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران». تاریخ ایران کمبریج (جلد پنجم)، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بالار، میشل (۱۳۹۲). پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی (جلد ۳)؛ جنگ‌های صلیبی و شرق لاتینی. ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰). تاریخ عرب. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه.
- حسن، درویش یوسف (۲۰۰۵). بلاد هگاری. دهوک: دار سپهریز للطباعة و النشر.
- دوسکی، کاروان عبدالعزیز (۲۰۱۳). الكرد المهرانیه، دورهم السیاسی و الحضاری خلال القرنین ۶ - ۷. دهوک: مطبعة محافظة دهوک.
- ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۳). تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام. به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- رائد، عبدالرحیم (۲۰۱۹). «الفقیه عیسی الهکاری، حیات و دوره فی عهدی اسدالدین شیرکوه و صلاح‌الدین الأیوبی». مجلة اربد للبحوث و الدراسات الإنسانية، شماره ۱، صص ۱-۳۶.
- رانسینمان، استیون (۱۳۸۰). تاریخ جنگ‌های صلیبی. ترجمه منوچهر کاشف، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضایی، جمیل (۱۳۹۹). «شیرکوه بن شاذی». دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲۸، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: کتاب مرجع.
- ریلی اسمیت، جانانان (۱۳۹۲). جنگ‌های صلیبی، مسیحیت و اسلام. ترجمه عبدالله ناصری طاهری و دیگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زرکلی، خیرالدین (۲۰۰۲). الأعلام. بیروت: دار العلم للملایین.
- زکار، سهیل (۱۹۹۵). الموسوعة الشاملة فی تاریخ الحروب الصلیبیة. دمشق: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- سبط ابن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر (۲۰۱۳). مرآة الزمان فی تواریخ الأعیان. به کوشش ابراهیم زیبق، دمشق: دار الرسالة العالمیه.
- سید، ایمن فواد (۱۴۰۰). دولت فاطمیان در مصر: تحلیلی جدید، ترجمه اسماعیل باغستانی، تهران: نی.
- شاندور، آلبر (۱۳۷۵). صلاح‌الدین ایوبی. ترجمه محمد قاضی، تهران: زرین.

- شریف، حسین شاکر (۲۰۱۶). کورد له کتیبی و فیات الأعیان و أنباء أبناء الزمانی ابن خلکان، لیکولینه وه یه که له رولی سیاسی و شارستانییه تی کورد. اربیل: ده‌زگای چاپ و په خشی نارین.
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۷۸). تاریخ کرد و کردستان، تهران: آتیه.
- طقوش، محمد سهیل (۲۰۱۵). تاریخ الأکراد. بیروت: دار النفائس للطباعة و النشر و التوزیع.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰). دولت ایوبیان. ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- طواهی، فوزی خالد (۲۰۲۰). «الأمیر سیف‌الدین علی المشطوب الهکاری و دوره العسکری فی الدولة الأیوبیه». المجلة الأردنية للتاریخ و الآثار، شماره ۳، صص ۱۱۱ - ۱۲۹.
- عثمانه، خلیل (۲۰۰۶). فلسطین فی العهدین الأیوبی و المملوکی. بیروت: مؤسسة الدراسات الفلسطینییه.
- عسلی، بسام (۱۴۳۳). قادة الحروب الصلیبیه (المسلمون). بیروت: دار النفائس.
- عودی، ستار و خان‌احمدی، لیلا (۱۳۹۳). «داویه»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۷، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- عودی، ستار (۱۳۹۰). جنگهای صلیبی. تهران: کتاب مرجع.
- عینی، بدرالدین محمود (۱۴۳۱). عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان. به کوشش محمود رزق محمود، قاهره: مطبعة دار الكتب و الوثائق القومییه.
- فرزانه، مریم (۱۴۰۳). «زرزا»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲۶، تارنما به آدرس: <https://cgie.org.ir/fa/article/274244/> زرزا
- کریمی، جواد و موجانی، سیدعلی (۱۳۹۳). «بیت‌المقدس»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۵، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: کتاب مرجع.
- مونس، حسین (۱۹۵۹). نورالدین محمود. قاهره: الشركة العربیة للطباعة و النشر.
- محمدحسین، محسن (۱۹۸۷). «جیش صلاح‌الدین»، المورد. شماره ۴، صص ۳۸ - ۶۸.
- مجیدامین، نبز (۲۰۰۲). المشطوب الهکاری؛ دراسة عن دور الهکاریین فی الحروب الصلیبیه. سلیمانیه: بی‌نا.
- مجیرالدین حنبلی، ابوالیمن (۱۳۶۸). الأنس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل، قم: انتشارات شریف رضی.
- مایر، هانس ابرهارد (۱۳۷۱). جنگهای صلیبی. ترجمه عبدالحسین شاهکار، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۷). نگاه‌ی نو به مشرق قفقاز. ترجمه محسن خادم، تهران: کتاب مرجع.

کُردان غیرایوبی در جنگ‌های صلیبی؛ از سقوط تا بازپس گیری بیت المقدس / ۱۳۱

محمّدی، مهدی (۱۴۰۱). «سپاه اتابکان زنکی و تحولات آن»، مطالعات تاریخی جنگ. شماره ۱۹، صص ۷۳-۵۸.

مقریزی، ابوالعباس تقی‌الدین (۱۴۲۲). اتعاض الحنفی بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفا. به کوشش عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

نقلی، آسیا سلیمان (۲۰۰۲). دور الفقها و العلماء المسلمین فی الشرق الأدنى فی الجهاد ضد الصلیبیین خلال الحركة الصلیبییه، ریاض: مکتبة العبیکان.

ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۶). «آثار جنگ صلیب در صفحات شرقی جغرافیای اسلام، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۵۰.

هسینیانی، صالح شیخو (۲۰۱۴). «العائلة الشهرزورية و دورها الحضاری و السیاسی فی التاريخ الاسلامی»، مجلة البحوث و الدراسات الاسلامیه، شماره ۳۵، صص ۱۹۵-۲۵۵.

